

درس خارج اصول استاد مهدی گنجی

۹۷/۰۲/۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر و نهج البلاغه

رجال

دروس به زبان عربی

مباحث مستحدثه حکومتی

سرفصل های 1401 - 1400

پرونده علمی

فهرست مسائل

موضوع درس اساتید

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزار پخش زنده-رایانه

نرم افزار پخش زنده-اندروید

سایت های مرتبط

کتابخانه مدرسه فقهات

ویکی فقه

ویکی پرسش

محتویات

اصحیح و اعم

۱.۱ تصویر جامع بنا بر مسلک صحیحی

۱.۱.۱ جهت اول: وجود جامع

۱.۱.۱.۱ رد ادعای مرحوم اخوند

۱.۱.۱.۱.۱ عدم ارتباط قاعده الواحد به این بحث

۱.۱.۱.۱.۲ عدم معقولیت ادعای مرحوم اخوند

۱.۱.۱.۱.۳ خلاف ارتکاز بودن جامع ادعایی از طرف مرحوم

اخواند

۱.۱.۲ تصویر مرکب بنا بر قول به صحیحی

۱.۱.۲.۱ رد ادعای مرحوم اصفهانی

۱.۱.۲.۱.۱ رد اشکال از ادعای مرحوم اصفهانی و رد ادعای

ایشان

موضوع: تصویر جامع بنا بر قول صحیحی و اعمی / صحیح و اعم / مقدمات

علم اصول

خلاصه مباحث گذشته:

مرحوم اخوند فرمود باید قدر جامع بنا بر هر دو قول تصویر بشود و اشکالی را از شیخ انصاری بیان کردند که ایشان میفرماید تصویر جامع بنا بر قول صحیحی ممکن نیست چون ان جامع ایا مرکب است یا بسیط؟. اگر مرکب است که ممکن نیست و اگر بسیط است و ان عنوان مطلوب است یا عنوانی

ملازم مساوی با آن. اگر عنوان مطلوب باشد سه اشکال دارد عدم معقولیت و ترادف و اجرای اصل اشتغال در موارد مشکوک. و اگر منظور عنوانی ملازم مساوی با مطلوب باشد دو اشکال ترادف و اجرای اصل اشتغال وارد است. مرحوم اخوند فرمود عنوان یک امر بسیطی است و عنوان ملازم است و اشکال عمده اجرای اصل اشتغال نیز وارد نیست زیرا چون در ما نحن فیه محصل و متحصل اتحاد وجودی دارند برائت جاری میشود.

۱ صحیح و اعم

۱.۱ تصویر جامع بنا بر مسلک صحیحی

بحث در مقدمه دوم بود بنا بر صحیحی ها کلام مرحوم شیخ و جواب مرحوم اخوند را بیان کردیم در چند جهت حول جامع بین افراد صحیح باید بحث شود

۱.۱.۱ جهت اول: وجود جامع

ما باید جمعی داشته باشیم علاوه بر این قائلین به صحیح موضوع له را عام میدانند پس باید یک جمعی داشته باشند که البته ارتکاز نیز بر عمومیت موضوع له است و فرقی بین این الفاظ با اسماء اجناس در ارتکاز نیست فلذا ما نیاز به یک جامع داریم چون موضوع له قطعاً جامع است و قائلین نیز قائل به عمومیت هستند. حال بحث در جامع است مرحوم اخوند فرمود جامع ما بسیط است و اشکال شیخ را دفع کرد. مرحوم اخوند این جامع را بر برهان الواحد بنا کرده است. ایشان فرموده است که قطعاً از این اعمال یک مدلولی حاصل میشود و از طرفی واحد فقط از واحد صادر میشود پس ما باید بین این الفاظ صحیحی یک جمعی داشته باشیم و آن جامع بسیط است.

۱.۱.۱.۱ ارد ادعای مرحوم اخوند

۱.۱.۱.۱.۱ عدم ارتباط قاعده الواحد به این بحث

اولاً قاعده الواحد ربطی به محل بحث ندارد ایشان این قاعده را در چند جای کفایه آورده است ولی این قاعده مصداقش اینجا نیست و لو اینکه عبادات غرض دارند اما آن قاعده در واحد حقیقی شخصی و حقیقی جاری است و در محل کلام غرض واحد شخصی نیست بلکه غرض در اینجا واحد نوعی است مثلاً انتهای از فحشا که غرض نماز است یک حقیقت انتها نیست بلکه عنوان آن فقط واحد است و افراد زیادی از انتها وجود دارد پس علل عدیده دارد و

هر انتهایی از افراد مختلفی تولید میشود. پس اینکه مرحوم اخوند به این دلیل میگوید جامع وحدانی داریم درست نیست.

۱.۱.۱.۲ عدم معقولیت ادعای مرحوم اخوند

ثانیا اینکه ایشان فرموده است که ما یک جامعی بین این اعمال داریم درست نیست و معقول نیست مثلا نماز یک مجموعه از از مقولات عدیده است بعضی از آنها از مقوله کیف است مانند ذکر گفتن و بعضی از آنها جده هستند مانند حالت طمانینه. و مقولات با هم متباین هستند و بین آنها جامع حقیقی معنا ندارد که مرحوم اخوند همین جامع حقیقی را ادعا میکرد و در رد شیخ اتحاد وجودی تعبیر کرده بود. پس باید محصل و متحصل دو وجود داشته باشند و وحدت آنها معقول نیست.

۱.۱.۱.۳ خلاف ارتکاز بودن ادعایی از طرف مرحوم اخوند

ثالثا بر فرض که دو اشکال قبلی وارد نباشند ولی باز هم ادعای مرحوم اخوند مفید نیست زیرا ما که دنبال تصویر جامع هستیم درحقیقت به دنبال جامعی هستیم که صلاحیت موضوع له بودن را داشته باشد شما اگر جامعی بنا بر صحیحی درست میکنند باید صلاحیت مسمی شدن را داشته باشد در حالی که این جامع مرحوم اخوند قطعا مسمی نیست چون که ما وقتی این کلامات را استعمال میکنیم ان جامع را نمیرسیم و خلاف وجدان و ارتکاز است قطعا نماز برای جامعی که قربان کل تقی است به ذهن نیاید و مردم از آنها یک جامع مرکب اعتباری میفهمند نه ان جامع بسیطی که ملازم با یک سری اثر است. فلذا بعضی از اصولیون بعد از مرحوم اخوند در صدد تصویر جامع مرکب بوده اند

۱.۱.۲ تصویر مرکب بنا بر قول به صحیحی

باید به گونه ای تصویر مرکب بشود که اشکال شیخ بر ان وارد نباشد مرحوم محقق اصفهانی فرموده است که مفاهیم سه قسم هستند

۱. گروهی از آنها مبین هستند مانند خیلی از اعلام شخصیه

۲. بعضی از آنها مفاهیم مردد هستند مثل احدهما که قابل انطباق بر

خارج نیست

۳. بعضی از آنها نیز مبهم هستند هم مصداق خارجی دارد و هم واضح

نیست. مانند شبهی که از دور دیده میشود و نمیدانیم انسان است و یا غیر ان است ولی یک شبهی از ان در ذهن منقش میشود که این شبه منطبق بر همان

است به گونه ای که وقتی به او نزدیک میشویم ابهامات آن کمتر میشود و در نهایت تبدیل به مبین میشود. که هر چه ابهام بیشتری داشته باشد سعه آن بیشتر است

در محل کلام جامع ما عبارت از معنای مبهمی است نه مثلاً رکوعی که این رکوع خاص باشد بلکه رکوع به عرض عریضش و هکذا سجود و غیره. که قابل انطباق بر همه ی رکوع ها و سجود ها و غیره است که این مبهم اسم خاصی ندارد تا به آن اشاره کنیم بلکه بایک سری اثری که دارد میتوانیم به آن اشاره کنیم و این مرکب مبهم قابل انطباق بر اکمل افراد و انقص افراد است.

۱.۱.۲.۱. رد ادعای مرحوم اصفهانی

ادعای مرحوم اصفهانی مشکل را حل نمیکند زیرا ما نمیتوانیم با یک عنوانی به یک مجموعه ای که مختص به صحیح است زیرا در هر صورت نمیتوان به آن اشاره کرد مثلاً با انتهای از فحشا میخواهیم به صحیح اشاره کردیم سوال این است که به صورت فعلی است یا به اقتضاء؟ اگر فعلی است که خیلی از نماز خوان ها هستند که مرتکب منکر میشوند و اضیق از صحیح است و اگر منظور صلاحیت و اقتضاء است در این صورت اوسع از صحیح است چون فاسد نیز قابلیت را دارد اگر آن شرط را داشته باشد مثلاً نماز بدون طهارت قابلیت را دارد به شرطی که طهارت داشته باشد. پس و لو اینکه جامع مرکب تصویر شد ولی عنوانی که سبب وضع خصوص صحیح بشود را امکانش نیست.

۱.۱.۲.۱.۱. رد اشکال از ادعای مرحوم اصفهانی و رد ادعای ایشان

به نظر ما این اشکال وارد نیست ما شق دوم را اختیار میکنیم و میگوییم مراد از آثار اعمال اقتضایی است نه اینکه به فعل باشد زیرا هم در خارج و هم در ظاهر خطابات اقتضاء است ولی اینکه گفتید اعم نیز این اقتضاء را دارد درست نیست بلکه خصوص صحیح است که این اقتضاء را دارد چون اگر شرط نماز فاسد ضمیمه شود تبدیل به صحیح میشود

ولی به ذهن میاید که ادعای مرحوم اصفهانی تصور عقلی است و بافیتی است اینکه ما از نماز مرکب مبهم بفهمیم خلاف ارتکاز است



